



کانون وکلای دادگستری استان مازندران

گزارش‌های کارآموزی

وکیل سرپرست: جناب آقای علی شهاب

کارآموز: مائده زرجام

شماره پروانه: ۴۲۵۷۷

گزارش شماره ۲:

شماره پرونده: ۱۴۰۲۴۷۹۲۰۰۰۲۷۴۹۱۳۵

شماره کلاس (بایگانی شعبه): ۰۲۰۱۰۹۷

تاریخ جلسه: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲

تاریخ حضور کارآموز: ۱۴۰۵/۰۲/۱۵

دادخواست بدوی:

خواهان: عبدالرضا متولیان شاه رضائی

خوانده: گلی سهرابی مشک آبادی

وکیل: مهسا زمانی (کارآموز وکالت)

خواسته: الزام به تمکین (تقاضای الزام به تمکین (عام و خاص) (زوجه)

دلایل و منضمات:

۱. تصویر وکالتنامه به شماره ۱۴۰۲۲۲۰۹۹۶۶۱۲۳۰۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۱ میزان تمبر مالیاتی به مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال باطل شد

۲. وکالتنامه به شماره ۱۴۰۲۲۲۰۹۹۶۶۱۲۳۰۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۱ ضمیمه گردید.

۳. سند ازدواج شماره ۳۰۷۳ مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۲۱ دفتر رسمی ازدواج شماره ۲۸۱۹۲۰

۴. اظهارنامه به شماره ۱۴۰۲۲۲۰۳۶۷۶۰۵۹۹۲ تاریخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۸

تاریخ تقدیم: ۱۴۰۲/۰۶/۲۲

شرح دادخواست:

ریاست محترم مجتمع قضایی شهرستان ساری

با سلام

احتراما اینجانب مهسا زمانی با تقدیم وکالتنامه ضمن اعلام قبولی وکالت از آقای عبدالرضا متولیان شاه رضایی به استحضار عالی می‌رساند:

به استناد کپی مصدق عقدنامه شماره در مورخ ۱۳۶۷ با خوانده عقد دائم منعقد نموده است. نظر به اینکه خوانده زوجه قانونی و شرعی موکل می‌باشد و به دلیل فوت فرزند نوجوان مشترک در سال ۹۸ زوجین در غم از دست دادن فرزند به سوگ نشستند و به همین دلیل فشارهای روحی و روانی فراوانی را متحمل شدند و از این رو تنش‌هایی در این بین به وجود آمده است که باعث شده خانم از سال ۹۸ منزل مشترک را ترک نموده است و با مراجعات و درخواست‌های مکرر از سوی زوج برای بازگشت زوجه و ادامه به زندگی مشترک متأسفانه زوجه تمکین عام و خاص که از وظایف شرعی نسبت به همسر خود است توجه‌ای ننموده است و مضافاً زوج تمامی حقوق مالی زوجه از جمله مهریه، اجرت‌المثل، نفقه از سال ۹۸ تا به حال که زوجه تمکین نمی‌نماید را پرداخته و همچنان در حال پرداخت می‌باشد. قاضی محترم خواهشمند است به این نکته توجه داشته باشید که زوج نسبت به تنش‌های پیش‌آمده که بیش از ۹ سال از آن گذشته احساس ندامت و پشیمانی دارد و به دلیل شرایط بیماری اولاد خود و بعد از آن فوت او دچار بهم ریختگی و فشارهای روحی شدید قرار گرفته بودند که حدود ۵ سال از آن واقعه تلخ می‌گذرد و زوج در صدد بازگشت و دعوت زوجه برای ادامه و تداوم زندگی مشترک ۳۵ ساله خود می‌باشند و به همین جهت با اظهارنامه تقدیمی از زوج دعوت به بازگشت زندگی مشترک نموده‌اند. فلذا به استناد ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی و نیز مواد ۱۱۰۲ و ۱۱۰۸ همان قانون و به دلیل عسر و حرج زوج در این مدت طولانی به سبب عدم تمکین عام و خاص زوجه تقاضای رسیدگی و صدور حکم مبنی بر الزام نامبرده به تمکین از زوج را دارد.

- پرونده در تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۴ از سوی مقام ارجاع‌کننده جهت رسیدگی به شعبه ۱۲ شورای حل اختلاف شهرستان ساری ارجاع شد.

ابلاغ:

ابلاغیه گلی سهرابی مشک آبادی با موضوع حضور در وقت مقرر در تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۵ به سامانه ابلاغ ارسال و توسط مخاطب مشاهده شد.

ابلاغیه مهسا زمانی (وکیل خواهان) با موضوع حضور در وقت مقرر در تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۵ به سامانه ابلاغ ارسال و توسط مخاطب مشاهده شد.

جلسه رسیدگی شورای حل اختلاف:

به تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۸ در وقت مقرر جلسه شعبه ۱۲ شورای حل اختلاف شهرستان ساری به تصدی عضو شعبه تشکیل شد. وکیل خواهان در جلسه حضور یافته و درخواست الزام به تمکین خوانده را نموده است. اعضای شورا در جهت صلح و سازش تلاش نموده‌اند تا موجبات سازش مهیا گردد ولیکن خوانده اعلام نموده است به دلیل خطر جانی حاضر به بازگشت به منزل زوج نبوده است. فلذا شورا با توجه به اینکه طرفین حاضر به سازش نشده‌اند پرونده را جهت رسیدگی به مرجع صالح ارسال می‌دارد.

تصمیم شورای حل اختلاف:

تاریخ تنظیم: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰

بسمه تعالی

نسبت به دعوی عبدالرضا متولیان شاه رضائی علیه گلی سهرابی مشک آبادی دائر بر الزام به تمکین اعلام عدم حصول سازش به مرجع صلاحیتدار (دادگاه عمومی و حقوقی شهرستان ساری) صادر شد.

- طی نامه مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۰، پرونده الکترونیکی موضوع دعوی آقای عبدالرضا متولیان شاه رضائی، با توجه به صدور تصمیم از سوی شعبه ۱۲ شورای حل اختلاف، به دادگاه عمومی و حقوقی شهرستان ساری ارسال گردید.

- در تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۶ قاضی شعبه ۴ دادگاه خانواده دستور تعیین وقت رسیدگی و ارسال نسخه ثانی دادخواست و ضمائم برای خوانده و دعوت طرفین به دادرسی را صادر نمود.

ابلاغ:

ابلاغیه مهسا زمانی با موضوع حضور در وقت مقرر در تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۸ به سامانه ابلاغ ارسال و توسط مخاطب مشاهده شد.

ابلاغیه گلی سهرابی مشک آبادی با موضوع حضور در وقت مقرر در تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۸ به سامانه ابلاغ ارسال و توسط مخاطب مشاهده شد.

جلسه رسیدگی:

به تاریخ ۱۴۰۲/۰۸/۰۲ در وقت مقرر جلسه شعبه ۴ دادگاه خانواده شهرستان ساری به تصدی رئیس شعبه و حضور قاضی مشاور زن تشکیل شد. خوانده، خواهان و وکیل خواهان در جلسه حضور داشتند. وکیل خواهان اظهار داشت: خواسته به شرح دادخواست تقدیمی است. تقاضای رسیدگی و صدور حکم به شرح ستون خواسته را دارم. خوانده دفاعاً در پاسخ بیان داشت: خواهان در چندین مرحله همین خواسته را در شعبات دیگر مطرح کرد که در نهایت منتهی به بطلان دعوی تمکین ایشان شد. به علت مظنه خوف ضرر حاضر به بازگشت نیستم. تقاضای رد دعوای ایشان را دارم.

- وکیل خواهان با تقدیم لایحه‌ای در تاریخ ۱۴۰۲/۰۸/۰۳ بیان داشت:

زوجه هیچ حکم قطعی محکومیت و شکایتی علیه زوج مطرح ننموده‌اند تا اثبات‌کننده مورد ضرب و جرح قرار گرفتن ایشان از سوی زوج باشد بلکه صرفاً صورتجلسه پلیسی در اختیار دارند که در آن اظهارات ایشان بدون حضور زوج ثبت شده است. ایشان با همین شیوه و دلایل واهی در جلسات دادگاه قبلی و نیز جلسه این شعبه سعی بر تحت تاثیر قرار دادن قضات نموده و با همین اسناد که بیش از ۴ و ۱۰ سال از تاریخ آن می‌گذرد، زوج را فردی خطرناک جلوه داده و قضات محترم بدون توجه و بررسی دلایل زوج و پی بردن به حسن اخلاق ایشان و برخلاف قانون که باید حال و اوضاع و شرایط فعلی زوج را در تمکین در نظر گیرند، صرفاً به صورتجلسه ۴ سال پیش و گفته‌های زوجه و توجه به رد تمکین قبلی اکتفا نموده و خواسته زوج را رد نموده‌اند. باید توجه داشت که متهمین در امور کیفری هم با نشان دادن حسن اخلاق و رفتاری حسنه و عدم تکرار جرم مورد بخشش و عفو و کاهش مجازات قرار می‌گیرند و همچنین در امور مدنی و خانواده قانونگذار بیان داشته که با در نظر گرفتن رفع بیم و خطر از سوی زوج، زوجه دعوت به زندگی مشترک می‌شود. زوج هم در این راستا با فرستادن چندین واسطه و ریش‌سفیدان برای بازگشت زوجه به منزل مشترک و اظهارنامه از ایشان تقاضای دعوت به زندگی مشترک نموده که متأسفانه زوجه با دلایل واهی و کذب و پرتکرار خویش که بیش از ۴ سال می‌گذرد از مسئولیت‌های خویش نسبت به زوج امتناع می‌نماید و بیان می‌دارد که نسبت به زوج بیم جانی دارد در صورتی که از زوج تقاضای مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان برای طلاق دارد. این خواسته در شرایطی است

که ایشان در گذشته تمامی حقوق مالی خود از جمله مهریه و نفقه گذشته و حال را دریافت نموده و هیچ طلب مالی ندارند و همین آشکارکننده‌ی این موضوع است که اگر ایشان در خوف و ضرر جانی و حیثیتی بوده‌اند و حقوق مالی خویش را هم دریافت داشته‌اند، به صورت شرعی و قانونی از زوج طلاق می‌گرفتند تا از خوف و ضرر در امان باشند و رفع شود. ولی همچنان به زوجیت باقی مانده است و خلاف آنچه که بیان می‌دارد رفتار می‌کند.

زوج هم همواره به دلیل علاقه به استحکام و پایداری به زندگی مشترک ۳۰ ساله و با دارا بودن فرزندهای متاهل و نوه و با ۲۷ سال سابقه خدمت اداری و برای حفظ وجهه اجتماعی و خانوادگی تلاش بر ادامه زندگی مشترک دارد و طبق اظهارات زوجه و اطرافیان طرفین، با اینکه زوجه همسر شرعی و قانونی موکل می‌باشد، در حال حاضر پیشنهادهای ازدواج دریافت می‌نماید که از جهت شرع اسلام به عنوان زنی شوهردار و از نظر وجهه اجتماعی برای زوج بسیار ناپسند و منع شده است و متناقض با گفته‌های اسلام می‌باشد. به همین جهت طبق ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی، هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود، ایشان باید دفاعی مشروع و اثبات عدم حسن اخلاق و رفتار موکل بنده نسبت به خویش در حال حاضر ارائه دهند تا بیانگر بیم و ترس جانی و حیثیتی باشد و غیر آن بیانگر نشوز ایشان نسبت به زوج می‌باشد. و همچنین شرایط سکنی در منزلی ویلایی با تمامی اثاث‌البیت و فضایی متعارف با شان زوجه و با حسن اخلاق زوج نسبت به ایشان برای ادامه زندگی مشترک فراهم است و با این شرح طبق ماده ۱۱۰۲ و ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ و ۱۱۰۵ و ۱۱۱۴ قانون مدنی از قاضی محترم الزام به تمکین زوجه به زوج مورد استدعاست.

- با ارسال لایحه دریافتی به رئیس شعبه از سوی دفتر، ایشان در تاریخ ۱۴۰۲/۰۸/۰۳ خطاب به دفتر دستور تعیین وقت نظارت و ابلاغ به خوانده جهت ارائه مستندات به این مرجع را صادر فرمودند.

لایحه:

در تاریخ ۱۴۰۲/۰۸/۰۷ خوانده لایحه ای با موضوع ارائه دلائل و مدارک به انضمام آراء محاکم شامل: دادنامه مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۹ صادره از شعبه ۲ دادگاه خانواده و نیز دادنامه مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۵ شعبه ۳ دادگاه خانواده در اثبات مظنه ضرر و رد تقاضای خواهان مبنی بر الزام به تمکین، به دادگاه تقدیم نمود.

- قاضی شعبه طی دستور تنظیمی در تاریخ ۱۴۰۲/۰۸/۰۹ به دفتر بیان کرد: اقدام لازم جهت اجرای مفاد درخواست معمول گردد. دادگاه ختم رسیدگی را اعلام و مقرر می‌دارد پرونده جهت اظهار عقیده به نظر قاضی مشاور خانواده برسد.

نظریه قاضی مشاور:

به تاریخ ۱۴۰۲/۰۸/۰۹ در وقت فوق‌العاده جلسه شعبه ۴ دادگاه خانواده شهرستان ساری به تصدی قاضی مشاور شعبه تشکیل شد. ایشان بیان کرد: با توجه به اینکه حسب دادنامه‌های متعدد فیما بین زوجین، زوج سابقاً دعوی تمکین مطرح نمود که به علت خوف ضرر رد گردیده و در حال حاضر نیز دلیلی بر اثبات ادعای خود و قصد وی جهت ادامه زندگی ارائه ننموده و خواسته طلاق مطرح نموده است، لذا مستنداً به ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی عقیده به بطلان دعوی دارم.

رای دادگاه:

تاریخ تنظیم: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹

با عنایت به مجموع اوراق و محتویات پرونده، نظر به وجود پرونده‌های متعدد فیما بین زوجین در راستای خواسته خواهان بابت تمکین و اینکه به لحاظ اثبات مظنه ضرر در دادنامه‌های مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۹ صادره از شعبه دوم دادگاه خانواده و نیز دادنامه مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۵ شعبه سوم دادگاه خانواده و رد تقاضای خواهان در راستای ماده ۱۱۵ قانون مدنی و اینکه خواهان دلیلی بر رفع مظنه ضرر ارائه ننموده، دادگاه با التفات به نظریه قاضی محترم مشاور خانواده و به مستفاد از ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۲۱ حکم به بطلان دعوای خواهان را صادر و اعلام می‌گردد رای صادره حضوری محسوب و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان مازندران می‌باشد.

تجدیدنظرخواهی:

تاریخ تقدیم: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹

تجدیدنظرخواه: عبدالرضا متولیان شاه رضائی

تجدیدنظرخوانده: گلی سهرابی مشک آبادی

وکیل: مهسا زمانی (کارآموز وکالت)

خواسته: تجدیدنظرخواهی نسبت به دادنامه مبنی بر حکم صادره نسبت به الزام به تمکین، شعبه صادرکننده:

شعبه ۴ دادگاه خانواده شهرستان ساری

دلایل و منضمات:

۱. تصویر وکالتنامه به شماره ۱۴۰۲۲۰۹۹۶۶۱۲۳۰۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۱ میزان تمبر مالیاتی به مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال باطل شد.

۲. وکالتنامه به شماره ۱۴۰۲۲۰۹۹۶۶۱۲۳۰۱ ضمیمه گردید.

۳. فتوکپی مصدق دادنامه شماره ۱۴۰۲۴۷۳۹۰۰۰۶۹۷۶۵۷۰ تاریخ ۱۴۰۲/۰۸/۰۹ صادره از شعبه ۴ دادگاه خانواده شهرستان ساری

شرح:

به نام خدا

ریاست محترم و مستشاران عالی مقام شعبه مرجوع الیه دادگاههای تجدیدنظر استان مازندران

سلام علیکم

با احترام اینجانب مهسا زمانی به وکالت از آقای عبدالرضا متولیان در اعتراض به رای مندرج در دادنامه شماره ۱۴۰۲۴۷۳۹۰۰۰۶۹۷۶۵۷۰ تنظیمی در مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۰۹ تصدیق از شعبه چهارم دادگاه خانواده شهرستان ساری مبنی بر الزام به تمکین عام و خاص زوجه تاریخ ابلاغ ۱۴۰۲/۰۸/۱۰ بدین وسیله و در مقام تجدیدنظرخواه، خاطر عالی را به دور از فرط بداهت زائد مستحضر می دارد: رای معترض علیه به دلایل و جهات ذیل الذکر به استناد شقوق حصری ذیل ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی خالی از اعتبار و تجلی قانونی بوده و قاضی محکمه نخستین با مقهور شدن در برابر مغالطه کاری تجدیدنظرخوانده، مصداق (انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال) گردیده و به جای (گفته) به (گوینده) توجه نموده است و مالا از احقاق حق استنکاف شده است. در این خصوص توضیحاتی به سمع و نظر جنابعالی می رساند:

۱. موکل بنده از نظر اجتماعی و آبرویی وجهه خوبی دارند. او با تلاش خود کلیه امکانات رفاهی مادی و معنوی نظیر منزل مستقل ویلایی، اثاث‌البیت متعارف و... و هر وسیله‌ای که در شان زوجه باشد برای داشتن یک زندگی خوب و کانونی گرم با دارا بودن دو فرزند متاهل و نوه برای زوجه فراهم آورده است.

۲. زوجین در یک برهه از زندگی مشترک به سبب بیماری فرزندشان در تنش‌های عصبی قرار گرفته بودند و متأسفانه ۵ سال پیش فرزندشان را بر اثر بیماری از دست دادند و زوجه بعد از فوت فرزندشان در آن شرایط بحرانی زندگی ۳۰ ساله‌ی خود را ترک نموده‌اند. گفتنی است زوجه محترم دلیل عدم تمکین خویش را سوء معاشرت زوج اعلام نموده‌اند و استناد به صورتجلسه پلیس در سال ۹۸ اکتفا گردیده که پلیس صرفاً گفته‌های ایشان را ثبت نموده است و زوج در آن زمان در منزل نبوده است و زوجه هیچ حکم قطعی یا ثبت شکایت کیفری نسبت به ضرب و جرح یا توهین از سوی زوج به ایشان ندارند و دلیل و اسناد جدیدی که ادعای ایشان را تایید نماید را ابراز ننموده‌اند زیرا اسنادی هم وجود ندارد که حسن معاشرت زوج را در حال حاضر مورد سو قرار دهد.

۳. قضات محترم صورتجلسه پلیس سال ۹۸ و ۹۲ و تنش‌های ۵ سال قبل بین زوجین را دلیلی بر رد خواسته الزام به تمکین زوج می‌دانند. در صورتیکه از قانون در بحث تمکین چنین تفسیر می‌شود که باید شرایط فعلی زوج را مورد بررسی قرار دهند که آیا ایشان احساس ندامت دارند؟ و یا تلاشی برای بازگشت زوجه و ایجاد شرایط زندگی ایده‌آل چه از نظر مالی و روحی انجام داده‌اند یا خیر؟ و باید توجه داشت که در خواسته الزام به تمکین مشمول اعتبار امر مختومه نمی‌باشد و رد شدن دعوی مرد در دفعات قبلی باعث نمی‌گردد که زوج نتواند مجدد دادخواست تمکین بدهد و در هر موقع که شرایط برای ادامه زندگی مشترک فراهم آمده است زوجه دعوت به زندگی مشترک می‌گردد. اما قاضی محترم خلاف قانون رای صادر نموده‌اند و در دادنامه به رد تمکین در مرحله قبلی استناد نموده است. باید در نظر داشت که شرایطی که در گذشته فراهم نبوده در تمکین طبق قانون استمراری نیست و حال می‌تواند تغییر کرده باشد (در امور کیفری هم بعضی از جرائم شامل مرور زمان می‌شود) حال که هیچ حکم قطعی بر ضرب و شتم و بیم جانی و بدنی و آبرویی وجود ندارد به همین دلیل قانونگذار تمکین را در زمره دعاوی که طرح آن امر به مختوم می‌باشد قرار نداده است و زوج هم با رفتن به مشاوره و با گذشت زمان فوت فرزندشان و پذیرش این واقعه تلخ به ثبات روحی خیلی مناسبی رسیده‌اند تا با معاضدت و بردباری و جبران زحمات همسر خویش شرایط مطلوب‌تری را در زندگی مشترک فراهم آورد.

۴. قاضی محترم بدوی اشاره نموده‌اند که خواهان دلیلی بر رفع مظنه ضرر ارائه ننموده‌اند، هرچند که در جلسه دادگاه به این موضوع اشاره شد که زوج اولاً زوجه را با واسطه‌های گوناگون دعوت نموده‌اند و بعد از طریق اظهارنامه و حتی در شورای حل اختلاف از زوجه دعوت به مشاوره خانواده برای ترمیم روابط زناشویی شده و حتی از ایشان برای اثبات ندامت یک فرصت برای بازگشت خواسته شده است و زوج تمام نفقه ایشان و حقوق

مالی از جمله مهریه را پرداخت نموده است و منزلی برای سکونت در شان زوجه فراهم آورده‌اند و با این حال زوجه خود اقرار نموده‌اند که نمی‌خواهند تمکین نمایند که در صورتجلسه شورای حل اختلاف موجود می‌باشد. زوجه محترم باید دلیل و مدارک جدیدی را ارائه می‌نمودند که اثبات‌کننده این امر باشد که زوج در حال حاضر شرایط ادامه زندگی مشترک ندارند ولی ایشان صرفاً تکیه بر دلایل قبلی خود می‌کنند که هیچ حکم قطعی نسبت به آن ندارند و صرفاً یک ادعا می‌باشد و حال سوال است چگونه در محاکم بدون در نظر گرفتن شرایط کنونی زوج و عسر و حرجی که به مدت ۴ سال با ترک منزل توسط زوجه برای زوج ایجاد گشته است و بدون نظریه کارشناس متخصص در خصوص اصلاح زوج و بررسی شرایط سکونت و تمکن مالی زوج، ایشان را صالح برای زیر یک سقف بودن با زوجه نمی‌داند؟ و همین امر سببی برای تضییع حقوق زوج از نظر شرعی و قانونی گردیده است. مطابق ماده ۱۱۰۲ و ۱۱۰۵ و ۱۱۱۴ و ۱۱۱۸ قانون مدنی و طبق قانون اساسی که در آنها به تحکیم و تعالی خانواده و حمایت از نهاد خانواده و پیشگیری از تنزل و فروپاشی آن تأکید گردیده است و از نگاه قرآن و احادیث، خانواده دارای ارزش خاصی می‌باشد. در متون دینی برای تشکیل آن توصیه‌های بسیاری شده است. آنچه بعد از تشکیل خانواده مهم است، تحکیم بنیان‌های خانواده برای رویارویی با مشکلات و تلاش قانونگذار و محاکم برای رفع موانع و معاضدت دلسوزانه برای پایداری این بنیاد است. حال خواهشمند است برای اثبات شرایط مناسب برای تمکین عام و خاص زوجه از زوج، این امر را به کارشناس مربوطه ارجاع داده تا شرایط و اوضاع روحی و اخلاقی زوج و شرایط مسکونی برای تمکین زوجه مورد بررسی قرار گیرد و زوج متعهد می‌گردد با بازگشت زوجه به منزل اگر هرگونه تنش و شرایطی زوجه را مورد ناراحتی قرار دهد تمام عواقب و مسئولیت‌ها را در این خصوص می‌پذیرند. بنائاً به مراتب معنونه و مسطوره در فوق و با امعان نظر به این معنا که محکمه بدوی هیچ توجهی به دلایل زوج انجام نداده است، رسیدگی و نقض رای موضوع دادنامه پیش‌گفته از محضر دادگاه تجدیدنظر استان مورد استدعاست.

با تجدید احترام مهسا زمانی

- دادخواست تجدیدنظرخواهی در تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۱ جهت تبادل لوایح به شعبه ۴ دادگاه خانواده شهرستان ساری ارسال شد.

لایحه دفاعیه: ارسال از طریق مدیر دفتر شعبه ۴ دادگاه خانواده شهرستان ساری به دادگاه تجدیدنظر استان (تبادل لوایح)

در تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۴ خانم گلی سهرابی در پاسخ به تجدیدنظرخواهی آقای عبدالرضا متولیان شاه رضائی لایحه ای تقدیم کرد و در آن بیان داشت:

تجدیدنظرخواه در مدت ۳۳ سال زندگی مشترک چندین بار به زوجه خیانت کرده است،

دست کج داشت،

زوجه را کتک می‌زد (نامه پزشکی قانونی در پرونده موجود است)، به خاطر ضربه‌ای که زوج به چشم زوجه وارد کرده چشم ایشان آسیب دیده و نیاز به عمل جراحی دارد،

چون زوجه راضی به ازدواج زوج با زنی که با او به زوجه خیانت کرده بود نبود زوجه را از خانه بیرون انداخت و با آن زن عقد نکاح منقطع منعقد کرد،

چندین بار زوجه را با اسلحه شکاری موجود در خانه تهدید کرده است که با گزارش به ۱۱۰ توسط زوجه زوج از خانه فرار کرد (گزارش ۱۱۰ موجود است)،

با وجود دارا بودن داماد و عروس و نوه به دنبال زن‌های خیابانی بود،

فرزند آخر خانواده در ۱۵ سالگی فوت کرد. در مدت ۱۵ سال معلولیت فرزند، زوجه از وی مراقبت می‌کرد درحالی‌که زوج به دنبال خوشگذرانی بود و به زوجه خیانت می‌کرد، زوج ۱۰۰ میلیارد سرمایه داشت ولی حاضر نبود برای فرزند بیمارش هزینه کند، با فرزند بیمار رفتار درستی هم نداشت،

زوج ۴ یا ۵ بار درخواست تمکین داده که رد شده است،

فقط به خاطر مبلغ ناچیزی که باید به عنوان نفقه بپردازد (براساس حکم)، دست به هر اقدامی از جمله افترا زدن به زوجه و اجیر کردن فردی برای هتک آبروی زوجه زده است تا نفقه نپردازد اما موفق نشد،

زوج هیچ امنیت جانی و بدنی برای زوجه باقی نگذاشته است و زوجه واقعا از ایشان هراس دارد. لذا در منزل مرحوم پدر خویش تنها زندگی می‌کند. ضمناً زوج همسر دوم خویش را نیز چندین مرتبه از خانه بیرون انداخته است،

در سال ۱۴۰۰ طی دادنامه شماره ۱۴۰۰۴۷۳۹۰۰۰۲۳۲۵۱۴۵ مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۹ درمورد دادخواست زوج حکم به بطلان دعوی صادر شده است،

زوجه گزارش ۱۱۰ مبنی بر اینکه زوج در تاریخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۰ زوجه را مورد ضرب و صدمه بدنی عمدی قرار داده است در اختیار دارد،

و نیز گزارش در اختیار دارد که زوج در تاریخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۹ زوجه را به دعوا کشانده است که زوجه معرفی به کلانتری ۱۱ ساری شده است،

همچنین در تاریخ ۱۴۰۰/۰۶/۰۴ حکم قطعی به شماره دادنامه ۱۴۰۰۴۷۳۹۰۰۰۴۱۶۵۴۸۶ به نفع زوجه صادر شده است،

زوجه در پایان بیان کرد: طرح دادخواست تمکین این آقا علیه بنده باطل است و اظهارات این آقا واهی است، دادخواست طلاق را خود آقای عبدالرضا متولیان به دادگاه ارائه کرده است،

لذا از ریاست محترم و مستشاران عالی مقام دادگاه تجدیدنظر استان مازندران تقاضای رد تجدیدنظرخواهی مورد استدعاست تا حقی از اینجانب تضییع نگردد.

- قاضی شعبه ۴ دادگاه خانواده در تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۵ طی دستوری به دفتر اعلام داشت: اقدام لازم جهت اجرای مفاد درخواست معمول گردد.

مکاتبات قضایی:

در تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۵ مدیر دفتر شعبه ۴ دادگاه خانواده طی نامه‌ای پرونده الکترونیکی موضوع دعوی به خواسته الزام به تمکین را با توجه به دادنامه صادره از این شعبه، به مجتمع دادگاه‌های تجدیدنظر استان مازندران ارسال کرد.

جلسه دادگاه:

در تاریخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۱ در وقت فوق‌العاده جلسه شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران به تصدی مستشار و رئیس شعبه تشکیل شد و با توجه به مفاد لایحه اعتراضیه و جهت بررسی علل و دلایل تجدیدنظرخواه مقرر داشت: دفتر وقت رسیدگی نزدیک تعیین نماید و اصحاب دعوی دعوت گردند.

ابلاغ:

ابلاغیه مهسا زمانی با موضوع حضور در وقت مقرر در تاریخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۱ به سامانه ابلاغ ارسال و توسط مخاطب مشاهده شد.

ابلاغیه عبدالرضا متولیان شاه رضائی با موضوع حضور در وقت مقرر در تاریخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۱ به سامانه ابلاغ ارسال و توسط مخاطب مشاهده شد.

ابلاغیه گلی سهرابی مشک آبادی با موضوع حضور در وقت مقرر در تاریخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۱ به سامانه ابلاغ ارسال و توسط مخاطب مشاهده شد.

جلسه رسیدگی:

در تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۵ در وقت مقرر دادگاه شعبه ۱۲ تجدیدنظر استان مازندران به نصدی رئیس و مستشار شعبه تشکیل شد.

زوجه حضور داشت،

زوج به انفاق وکیل خود حضور داشت،

تجدیدنظرخواه (زوج) بیان داشت:

۳۰ سال قبل با هم ازدواج کردیم و زندگی مشترک را شروع کردیم و ۳ فرزند داشتیم و ۲ بچه ما یکی پسر و یکی دختر ازدواج کردند و از آنها نوه داریم و یک فرزند ما بیمار بود و بعد از ۱۵ سال بیماری حدود ۴ سال قبل فوت کردند. خانم به خاطر بیماری و پرستاری بچه دچار تنش و مشکل روحی شده است و بعد از این همه مدت زندگی بدون دلیل منزل مشترک را ترک کرده است و به رغم درخواست مکرر و فرستادن واسطه همچنان از آمدن به منزل استنکاف می‌کند. درحالیکه همه لوازم زندگی مهیاست. درخواست الزام وی به برگشت به زندگی و تمکین عام و خاص دارم.

زوجه بیان داشت:

در طول زندگی، آقا سوء رفتار داشت و به من خیانت کرد. با زن‌های دیگر رابطه داشت و مرا کتک‌کاری می‌کرد و از منزل بیرون کرده است و من تامین جانی در منزل ندارم.

سوال:

چه سالی شما منزل را ترک کرده و یا شما را از منز بیرون کرده است؟

جواب: حدود ۵ سال قبل، دو مرحله درخواست تمکین داده که خواسته وی رد شده است. من در منزل تامین جانی ندارم. حاضر به برگشت و ادامه زندگی مشترک نیستم.

زوج در ادامه بیان داشت:

همه ادعای خانم کذب است. ادعا دارد زن گرفتم. این یک دروغ است و ثابت نکرده است. می‌گوید از منزل او را اخراج کردم ولیکن به خاطر علاقه به زندگی ۳۰ ساله‌ای که داشتیم و به خاطر بچه‌ها حاضر به طلاق او نیستم و خواهان ادامه زندگی و درخواست الزام وی به برگشت به تمکین عام و خاص دارم.

وکیل زوج در ادامه بیان داشت:

مطالب را طی لوایح تقدیمی و در دادخواست اعتراض بیان کردم. موکل گفتنی‌ها را بیان نمودند. مضافاً عرض می‌کنم خانم هیچ دلیلی بر ادامه ترک منزل و عدم تمکین ارائه نکرده است و صرفاً ادعاهایی مطرح کرده که با مشاوره قابل حل است. لذا درخواست نقض دادنامه و صدور حکم الزام زوجه به تمکین از زوج مورد استدعاست.

رای دادگاه:

تاریخ: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹

تجدیدنظرخواهی آقای عبدالرضا متولیان شاه رضائی به طرفیت خانم گلی سهرابی مشک آبادی از دادنامه شماره ۱۴۰۲۴۷۳۹۰۰۰۶۹۷۶۵۷۰ صادره از دادگاه خانواده شعبه ۴ شهرستان ساری که دربردارنده بطلان دعوی تمکین می‌باشد.

با عنایت به محتویات و مندرجات پرونده و اظهارات طرفین و مفاد لوایح تقدیمی، تجدیدنظرخواهی نامبرده وارد و دادنامه درخور نقض است. زیرا در یک خانواده دو طرفی که زندگی مشترک دارند حقوق متقابل نیز دارند. شناخت این حقوق و وظایف و عمل به آن و مراعات دوجانبه این حقوق موجب تحکیم زندگی و از بین رفتن دعوی و مشاجره و جدائی خواهد شد. زن باید دربرابر شوهر خود مطیع، صبور، قانع، قدردان و وفادار باشد. شوهر نیز باید نسبت به همسرش خوش‌رفتار، بردبار، قدرشناس، باگذشت و احترام‌گذار و تامین کننده نیازهای معیشتی و آسایش باشد. هریک نسبت به دیگری حسن معاشرت، معاضدت در تحکیم و همزیستی زندگی مشترک و همکاری در تربیت فرزند داشته باشد (و عاشروهن بالمعروف). نظر به اینکه سکونت زن در منزل مرد و تمکین و اطاعت زن از شوهر در حدود شرع و قانون و عرف یکی از وظایف زن می‌باشد و از ناحیه تجدیدنظرخوانده (زن) دلیل موجه و متقن که دلالت بر استمرار خوف و ضرر و ادامه ترک منزل و عدم تمکین از زوج باشد اقامه نگردید، از این رو دادنامه صادره واجد ایراد است. بنابراین به استناد مواد ۳۵۸ و ۳۶۵ قانون آئین دادرسی مدنی و ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی، این دادگاه ضمن نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته، زوجه را به تمکین از زوج ملزم می‌نماید. رای صادره قطعی است.

ابلاغ:

ابلاغیه مهسا زمانی با موضوع ابلاغ تصمیم نهایی در تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ به سامانه ابلاغ ارسال و توسط مخاطب مشاهده شد.

ابلاغیه عبدالرضا متولیان شاه رضائی با موضوع ابلاغ تصمیم نهایی در تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ به سامانه ابلاغ ارسال و توسط مخاطب مشاهده شد.

ابلاغیه گلی سهرابی مشک آبادی با موضوع ابلاغ تصمیم نهایی در تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ به سامانه ابلاغ ارسال و توسط مخاطب مشاهده شد.

مکاتبات قضایی:

در تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ منشی شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران طی نامه‌ای پرونده الکترونیک موضوع دعوی الزام به تمکین را با توجه به دادنامه صادره از شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر، به شعبه ۴ دادگاه خانواده ساری ارسال کرد.

فرجام‌خواهی:

فرجام‌خواه: گلی سهرابی مشک آبادی

فرجام‌خوانده: عبدالرضا متولیان شاه رضائی

خواسته: فرجام‌خواهی نسبت به دادنامه شماره ۱۴۰۲۴۷۳۹۰۰۱۱۰۵۶۵۶۴ مبنی بر حکم صادره نسبت به الزام به تمکین، شعبه‌ی صادرکننده: شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران
دلایل و منضمات:

۱. شماره پرونده استنادی: ۱۴۰۲۴۷۹۲۰۰۰۲۷۴۹۱۳۵

۲. سایر دلایل و مستندات: کپی نظریه پزشکی قانونی

۳. دادخواست-لایحه به شماره-مورخ

۴. آراء محاکم به شماره-مورخ

۵. مدارک پیوستی به شماره-مورخ

۶. فتوکپی مصدق دادنامه شماره ۱۴۰۲۴۷۳۹۰۰۱۱۰۵۶۵۶۴ تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۹ صادره از شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران

تاریخ تقدیم: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳

شرح:

بسمه تعالی

ریاست محترم شعبه ۴ دادگاه خانواده شهرستان ساری

سلام علیکم

احتراما اینجانبه گلی سهرابی مشک آبادی فرزند عبدالرحمن نسبت به دادنامه قطعی صادره شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۹ ابلاغی در همان تاریخ، اعتراض و تقاضای فرجام‌خواهی دارم. دلایل بنده به شرح ذیل است:

۱. این آقا که شوهر بنده است از حیث آداب و وظایف شوهری اصلا و ابدا اهل عمل نبوده و نیست. وی بارها مرا مورد ضرب و صدمه بدنی قرار داده بود. و حتی دهانم را می‌گرفت که تا حد مرگ و بند آمدن نفسم می‌رفت.

بنده اصلا تامین جانی و حتی مالی از وی ندارم. ترس و وحشت از وی درون بنده ایجاد گردیده است.

۲. ایشان از حداقل ۴ سال است که فقط مرا برای اینکه حکم تمکین بگیرد در دادگاه دارد. در سال ۱۴۰۰ در شعبه محترم ۲ دادگاه خانواده شهرستان ساری ۲ دفعه برایم تشکیل جلسه دادگاه دادند که در تاریخ‌های ۱۴۰۰/۰۳/۰۵ و ۱۴۰۰/۰۳/۲۷ بود ولی بر آن قاضی آن زمان مسجل گردید که حق با بنده است و حکم رد دادخواست این آقا را داد. سپس نمی‌دانم اعتراض کرد که بنده نفهمیدم یا اینکه دادنامه‌اش را پیگیری نکرد و قطعی شد ولی پس از آن حداقل از اقواممان یک نفر را واسطه نگرفت که دنبال بنده بیایند تا به سر خانه و کاشانه وی بروم بلکه خودش لازم بود که حداقل برای بلاهایی که بر سرم آورده بیاید و عذرخواهی کند و با زبان نرم و ملایم و به جهت عذوفت اسلامی و از باب ندامت و پشیمانی اظهار کند که بروم با وی زندگی کنم ولیکن نه تنها خودش نیامد بلکه هیچ واسطه‌ای نفرستاد و احتمالا اگر هم می‌خواست واسطه یا واسطه‌هایی نفرستد آن واسطه‌ها وی را می‌شناخته‌اند که چطور آدمی است و به اصطلاح کسی برای وی قدمی بر نمی‌داشته و بر نمی‌دارد سپس ببینید بنده امیدی برای برگشت به زندگی وی نداشته‌ام و ندارم.

۳. سپس وی پس از ۴ سال وکیل گرفت و درحالیکه دادخواست‌های الزام به تمکین وی رد شده بودند در شعبه ۳ خانواده دادخواست الزام به تمکین مرا داد که چون قبلا از آن تقاضای طلاق مرا داده بود و نیز شکایتی عجیب و غریب تحت عنوان رابطه نامشروع بنده با یک آقای به نام مهدی شاه رضایی متولیان فرزند ذبیح ... را داده بود در حالیکه بنده پسری معلول داشتم که کل وقت بنده صرف آن مریضم می‌شد پسرم به رحمت خدا رفت و دیگر وقتی برای بنده نمی‌ماند که بخوادم با کسی خلوتی داشته باشم و هر کدام از اقوام‌ها که از این موضوع شکایت خبر شدند وی را لعنت می‌کردند که پس از این همه زحمتی که برای وی کشیده بودم آیا این جواب خوبی‌هایم بود؟

ولی در عین حال پس از اینکه حکم برائت بنده قطعی گردیده بنده اصلاً در مقام کینه برنیامدم و از وی کوچکترین شکایتی برای این تهمت و افترا نکردم تا مگر وی به حالت انسانیت برگردد و بیاید عذرخواهی کند و از راه آدمیت باز هم برای ادامه زندگی با هم باشیم ولی دیدم که بدتر شده و بهتر نشد و مجدداً در شعبه محترم ۴ دادگاه خانواده تمکین داد و اگرچه خواسته وی و دادخواست وی در آن شعبه محترم رد شد ولی وی بر اثر اعتراض که کرد شعبه ۱۲ تجدیدنظر به هر علتی بوده است اعتراض وی را پذیرفته است. اما آنچه مهم است برابر متن صریح ماده ۴۲۶ قانون آئین دادرسی مدنی و با استناد به بندهای ۴ و ۵ ماده فوق‌الذکر آیا این همه شکایتی که وی از بنده کرده است بالاخره جنبه اماره‌ای ندارند که وی نه تنها در درون منزل مرا اذیت می‌کرده بلکه پس از جدایی مان هم مرتب از بنده شکایت کرده و دادخواست‌های متفاوت داده است و حال دادگاه محترم تجدیدنظر فقط این موضوع را می‌بیند که بنده در منزل وی نیستم ولی چه خبر دارد که وی با بنده چه کار کرده است و به اصطلاح وی دادگاه را هم اغفال کرده است و فریب داده است. لذا تقاضای پذیرش فرجام‌خواهی امر را دارم و تقاضای مساعدتم را از آن شعبه محترم خواستارم و خواستارم.

گزارش دفتر شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر به قاضی:

تاریخ: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴

با توجه به لایحه دریافتی در پرونده کلاسه ۰۲۰۳۱۴۱ از سوی خانم گلی سهرابی مبنی بر ارائه فرجام‌خواهی به خواسته تمکین جهت صدور دستور شایسته به حضور ارسال می‌شود.

قاضی شعبه خطاب به دفتر، دستور به تعیین وقت نظارت و مطالبه پرونده از دادگاه نخستین داد.

مکاتبات قضایی:

موضوع: مطالبه پرونده استنادی

تاریخ: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴

رییس شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر طی نامه‌ای خطاب به شعبه ۴ دادگاه خانواده اعلام کرد:

بدینوسیله درمورد پرونده الکترونیکی آن شعبه درخصوص خواهان: عبدالرضا متولیان شاه رضائی خوانده: گلی سهرابی مشک آبادی خواسته: الزام به تمکین، با توجه به تقاضای فرجام‌خواهی گلی سهرابی مشک آبادی گرچه دادنامه از موارد فرجام‌خواهی نبوده، جهت انجام اقدامات قانونی و ارسال به دیوان عالی کشور مراتب جهت اطلاع اعلام می‌گردد.

ابلاغ:

ابلاغیه عبدالرضا متولیان شاه رضائی با موضوع تبادل لوایح در تاریخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۶ به سامانه ابلاغ ارسال و توسط مخاطب مشاهده شد.

ابلاغیه مهسا زمانی با موضوع تبادل لوایح در تاریخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۶ به سامانه ابلاغ ارسال و توسط مخاطب مشاهده شد.

لایحه دفاعیه:

ارائه کننده: مهسا زمانی (وکیل فرجام خوانده)

تاریخ: ۱۴۰۳/۰۱/۰۷

شرح:

قابل توجه می‌باشد آرای قابل فرجام‌خواهی هستند که در قانون تصریح شده باشند. در خصوص آرای دادگاه تجدیدنظر، اصل بر فرجام‌ناپذیری آنهاست؛ بنابراین، تنها آن دسته از احکام صادره از دادگاه تجدیدنظر قابل فرجام هستند که در قانون تصریح شده باشند. این احکام عبارت‌اند از احکام مربوط به دعاوی غیرمالی اصل نکاح، فسخ نکاح، طلاق، نسب، حجر و وقف می‌باشد و فرجام‌خواهی در دعوی الزام به تمکین زوجه وارد نمی‌باشد با توجه به محتویات پرونده‌های بدوی و تجدیدنظر چون دعوی تمکین زوج از زوجه از موارد شقوق مواد ۳۶۷ و ۳۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی نمی‌باشد و نیز از متفرعات دعوی اصلی (تقاضای طلاق) هم نیست و فرجام‌خواهی از این دعوی خارج از نصوص و ارکان قانون می‌باشد به همین جهت عودت پرونده و یا رد فرجام‌خواهی در دعوی الزام به تمکین مورد استدعاست.

رای شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور:

تاریخ: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹

در خصوص فرجام‌خواهی خانم گلی سهرابی مشک آبادی به طرفیت آقای عبدالرضا متولیان شاه رضایی نسبت به دادنامه شماره ۱۱۰۵۶۵۶۴ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۹ صادره از شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران متضمن صدور حکم بر الزام فرجام‌خواه به تمکین از فرجام‌خوانده نظر به اینکه حسب تصریح ماده ۳۳۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی آرای محاکم تجدیدنظر استان قطعی است و در ضمن دادنامه فرجام‌خواسته نیز مشمول هیچ‌یک از بندهای مقرر در ماده ۳۶۸ قانون فوق‌الاشعار نبوده. لذا پرونده امر قابلیت فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور را ندارد و عینا به شعبه صادرکننده رای فرجامی اعاده گردد.

مکاتبات قضایی:

تاریخ: ۱۴۰۳/۰۷/۰۷

مدیر دفتر شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور طی نامه‌ای خطاب به مدیر دفتر شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران:

عطف به نامه، عین پرونده کلاسه پیوست حاوی ۸۶ برگ به انضمام رونوشت برابر اصل دادنامه صادره از این شعبه جهت هرگونه اقدام مقتضی اعاده و ارسال می‌گردد.

نظر کارآموز:

۱. براساس ماده ۱۱ قانون شوراهای حل اختلاف ۱۳۹۴ (دادخواست بدوی با توجه به زمان تقدیم، مشمول این قانون است)، در کلیه اختلافات و دعاوی خانوادگی و سایر دعاوی مدنی و جرائم قابل گذشت، مرجع قضائی رسیدگی‌کننده می‌تواند با توجه به کیفیت دعوی یا اختلاف و امکان حل و فصل آن از طریق صلح و سازش، فقط یک بار برای مدت حداکثر سه ماه موضوع را به شورا ارجاع نماید. در این پرونده نیز با توجه به خواسته دعوا (الزام به تمکین) مقام ارجاع پرونده را ابتدا به شورا ارجاع نموده است.

۲. براساس تبصره ماده مذکور در بند قبل، در اجرای این ماده، شوراها مکلفند برای حل و فصل دعوی یا اختلاف و ایجاد صلح و سازش تلاش کنند و نتیجه را اعم از حصول یا عدم حصول سازش در مهلت تعیین شده برای تنظیم گزارش اصلاحی یا ادامه رسیدگی به طور مستند به مرجع قضائی ارجاع‌کننده اعلام نمایند. نسبت به دعوی عبدالرضا متولیان شاه رضائی علیه گلی سهرابی مشک آبادی دائر بر الزام به تمکین نیز اعلام عدم حصول سازش و به مرجع صلاحیتدار صادر شد.

۳. دادگاه در راستای ماده ۲ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل و قاضی مشاور زن تشکیل شده است.

۴. براساس ماده ۲ قانون حمایت خانواده قاضی مشاور باید ظرف ۳ روز از ختم دادرسی به طور مکتوب و مستدل درمورد موضوع اظهارنظر و مراتب را در پرونده درج کند. قاضی انشاء‌کننده رای باید در دادنامه به نظر قاضی مشاور اشاره کند و چنانچه با نظر وی مخالف باشد با ذکر دلیل نظریه وی را رد کند. در این پرونده تمام این موارد رعایت شده است.

۵. براساس ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی همین که نکاح به طور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود.

همچنین براساس ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است. طبق ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنا نماید مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد.

با در نظر گرفتن مواد مذکور زوجه ملزم به تمکین عام و خاص از زوج می‌باشد. بنابراین در پرونده حاضر تقدیم دادخواست الزام به تمکین از سوی زوج وارد می‌باشد.

اگرچه براساس ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی اگر بودن زن با شوهر در یک منزل، متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن می‌تواند مسکن علی‌حده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه‌ی ضرر مزبور، محکمه حکم به بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود، ولی در این پرونده زوجه دلیل قابل قبولی برای اثبات مظنه ضرر ارائه نکرده است که دادگاه بدوی حکم به رد الزام به تمکین صادر کند. وی صرفاً به گزارش پلیس مبنی بر ایراد ضرب و صدمه بدنی عمدی و نامه پزشکی قانونی و دادنامه‌های قبلی صادره مبنی بر رد الزام به تمکین اکتفا نموده است.

۶. براساس ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی کلیه احکام صادره در دعاوی غیرمالی قابل درخواست تجدیدنظر می‌باشد. حکم صادره در خصوص دعاوی حاضر (غیرمالی) نیز قابل تجدیدنظر می‌باشد. و بنابر استدلالات فوق‌الذکر و براساس ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی که بیان می‌دارد چنانچه دادگاه تجدیدنظر ادعای تجدیدنظرخواه را موجه تشخیص دهد، رای دادگاه بدوی را نقض و رای مقتضی صادر می‌کند، رای شعبه ۴ دادگاه خانواده قابل نقض است.

۷. طبق ماده ۳۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی آرای دادگاه‌های تجدیدنظر استان قابل فرجام‌خواهی نیست مگر در موارد زیر... از آنجایی که دادنامه فرجام‌خواسته مشمول هیچ‌یک از بندهای مقرر در ماده ۳۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی نمی‌باشد، پرونده قابلیت فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور را ندارد. دیوان به درستی به این امر اشاره کرده است.